خون می‌چکد از قلم

نویسنده: سونیا رحمت‌نژاد

تاریخ انتشار: 16 Khordad 2585 باستانی برابر با June 6, 2026 میلادی



چه بنویسم ؟ خون می‌چکد از قلم

نای نوشتن که میابی، سرازیر میشوند اینهمه تصویر آغشته به خون پاک ،من من ،من رابنویس ،

من مادرم منتظر بود برگردم نان خریده باشم .

دوتا گفته بود سه تا خریدم در راه یکی را نوش جان کنم

به خون زدم و به ته نرسید

من رابنویس

امدم روسری عروسی بهاره را بخرم نمیدانم این به لباسم می آید یا نه خواستم بروم انور خیابان و بنگگگگ، به پدرم بگو به عروسی بهاره نمی‌رسم

من ، من را زودتر بنویس داروهای پدربزرگ رو می‌آورم قول میدهم ولی چاره ای نیست باید از رگبار مسلسل هموطنم بگذرم ،

آخ نشد که دارو برسد به تو بابا بزرگ ، دیر نکردم ، آنها مرا زود زدند

هموطنم مرا زد که حقوق آخر ماهش دو برابر شود

دارو رو امروز لازم داشتی ؟؟؟

من ،من را بگو به دنیا بگو

رفتم که دو فرزندم را از مدرسه بیاورم فقط منتظر ماکارونی ناهار بودند زدند نامردها ،رهایم نکردند ، خون قسمت نانشان شد . دیگر اشک از چشمانشان نمیریزد ولی دیگر ماکارونی دوست ندارند

من را اول بگو

پسرم رفت که شعار بدهد برای فضای مجازی قلدری کند ، کسی را جز او نداشتم دنبالش رفتم ، جانم بود، عمرم

دیدم که با اسلحه به سمتش دوید ، عشق من از اسلحه او سریع تر بود ،سپر بلایش شدم ، جانم فدایش.

دلم خون همان یسطرون است که این قلم چه بنویسد

آهِ

کدام مادر ، نفرین کدام پدر را بگویم که آرزو می‌کردند کاش سینه چاک فرزند بودند

من سطری از عشق را دیدم که یسطرون قلم را به زیر پا کشید

کدام همت بلندی را، این قلم برایت بنگارد. هموطن

من چهره ایرانم

خاک خشک آب ندیده

صحرای کربلا

که ذلت شمر را نمیخواهد که سیراب شود ، ابوالفضلی ندارم که کودکانم را سیراب کندتشنه میمانم ،پابرجا

تااز خاک خون آلود من شقایق بروید برای

آنانکه نونی دارند که معنایش و مایسطرون باشد

من مادرم ایران زمینم دختر کوروش

صبور ، پر صلابت و امیدوارم

قلمم به دست و قلبم پر از تپش مادران و پدران داغدار است

وطنم آزاد بمان

قلمِ ایران می‌نویسد ....